

موانع و راهکارهای کار آفرینی در نظام آموزش عالی ایران

دکتر محمد حسن میرزا محمدی : استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران
سیاوش پورطهماسبی: کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت
آذر تاجور: کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیتهای دانشگاههای خارجی تبدیل شده است. آنچه در این دوره ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است اهداف آموزشی، مناسب بودن محتوای دوره‌های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاههای آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهشها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به منظور راه‌اندازی فعالیتهای کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره‌ها و فعالیتهای آموزشی کارآفرینی، اثربخشی دوره‌های کارآفرینی، تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و تسهیل شرایط کارآفرینی و ارائه راهکارهای آن موارد یاد شده با یکدیگر به منظور تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین است. متأسفانه نظام آموزش عالی ایران نتوانسته خود را با اقدامات ذکر شده انطباق داده که البته در این راه موانع و مشکلاتی وجود دارد که با برطرف شدن آنها دانشگاههای ما کارآفرین خواهد شد. برای این منظور در مقاله حاضر ابتدا مروری بر تعاریف، مفاهیم، پیشینه کارآفرینی داشته و سپس به نقش آموزش و دانشگاه در توسعه کارآفرینی اشاره شده و موانع و مشکلاتی که آموزش عالی در این راستا با آن مواجه هستند بررسی شد و با ارائه راهکارهایی بر آن است تا به بهبودی آموزش کارآفرینی در دانشگاهها منجر شود و در آخر نیز به نتیجه گیری پرداخته شد.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، آموزش، آموزش عالی، موانع، راهکارها.

مقدمه

علاقه مندی به کارآفرینی^۱ آکادمیک طی سال‌های اخیر به ویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد افزایش یافته است. به طوریکه افزایش آگاهی از اهمیت کسب و کار و توجیه فعالیت‌های اقتصادی، به عنوان جنبه‌هایی مهم از دروس آکادمیک را تشکیل می‌دهند. آموزش عالی بیانگر نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم سازی زمینه بالندگی دانش، مهارت و نگرش نیروی انسانی در حوزه‌های فنی، حرفه‌ای و مدیریتی بخش‌های مختلف نه تنها موجب ترویج دانش می‌گردد، بلکه با پیشرفت‌های پژوهشی، فناورانه و علمی که به ارمغان می‌آورد، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌سازد (شریف زاده و دیگران، ۱۳۸۶).

معضلی که در این باره پیش روی مدیران دانشگاه قرار دارد، نحوه ارتقاء و تسهیل کارآفرینی آکادمیک و آموزش کارآفرینی، به بهترین شکل ممکن در یک محیط علمی و در عین حال، عدم ایجاد مانع بر سر راه دانشجویان و دانشگاه‌ها است.

در اقتصاد جدید جهانی، دانش کالایی بس ارزشمند است، کشورها مجبورند بر سرمایه‌گذاری‌های آموزشی خود بیافزایند. در واقع خود دولتها هستند که نظامهای آموزشی را سازماندهی می‌کنند (کارنوی^۲، ترجمه میرزا محمدی، ۱۳۸۴).

^۱-Entrepreneurship

^۲-Carnoy

از اهداف و وظایف مهم نظام آموزش عالی هر کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه است، گرچه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، تلاشهایی را در این زمینه آغاز کرده‌اند، ولی متأسفانه به علت نامناسب بودن سرفصلها و عنوان دروس دانشگاهی با نیازهای جامعه، دانش‌آموختگان دانشگاهها از تخصص و کارایی لازم برای تصدی مشاغل مربوطه برخوردار نیستند، زیرا آموخته‌هایشان چندان با نیازهای واقعی جامعه ارتباط ندارد.

از این رو با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مشکلات اقتصادی دولت از سوی دیگر، مسأله کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای یافته است. علاوه بر این امروزه، اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهها یکی از مشکلات اصلی آموزش عالی در کشور می‌باشد. بنابراین، شناسایی عوامل مرتبط با این مشکل در تمام حوزه‌ها و رشته‌های دانشگاهی، می‌تواند در زمینه‌های اشتغال دانش‌آموختگان مؤثر باشد.

اکنون به طور فزاینده‌ای این انتظار هست که دانشگاه‌ها در کنار پژوهش و تعلیم باید وظیفه دیگری را نیز به عنوان محرک‌های ابتکار و رشد اقتصادی هر منطقه بر عهده گیرند، علاوه بر این دولت‌ها به منظور رشد اقتصادی و در پاسخگویی به بزرگترین چالش‌های اقتصادی، یعنی بهبود استانداردهای زندگی، اشتغال و افزایش درآمدهای مالیاتی، فعالیت می‌کنند. (دانا^۱، ۲۰۰۱، به نقل از احمدی، ۱۳۸۳) در این میان کارآفرینی را می‌توان از عوامل اصلی ایجاد ارزش اقتصادی و ابزار کارآمدی برای کشور محسوب کرد، در حقیقت امروزه کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیتهای دانشگاهی تبدیل شده است (احمدپور، ۱۳۸۳).

دیوید مک کله‌لند^۲ از استادان دانشگاه هاروارد که نخستین بار «نظریه روانشناسی توسعه اقتصادی» را مطرح کرد، معتقد است که علت اصلی عقب ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، ناشناخته ماندن آفرینندگی فردی است. او بر این باور است که با یک برنامه درست در زمینه آموزش و پرورش می‌توان روحیه کاری لازم را در جوامع تقویت کرد، به گونه‌ای که شرایط لازم برای صنعتی کردن جوامع فراهم گردد (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵).

آموزش کارآفرینی بستر لازم برای کارآفرینی، دانش و مهارت‌های ضروری به افراد علاقمند بالاحص دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل ارضا کننده هستند را فراهم می‌کند. آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است. صاحب نظران در زمینه آموزش کارآفرینی بر این عقیده اند که کارآفرینان، کارآفرین متولد نمی‌شوند، بلکه کارآفرینی را باید از طریق فعالیت‌های مدون و مناسب آموزش داد (مقیمی، ۱۳۸۰). لذا با توجه به مطالب فوق نتایج این پژوهش می‌تواند به ارائه برنامه‌ای برای آگاهی نظام آموزش عالی از مشکلات و راهکارهایی در باره کارآفرینی، برای تحریک روحیه کارآفرینی و ارتقاء دانش در نظام آموزش عالی و دانشجویان در زمینه کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد. در پایان تحقیق انتظار می‌رود از طریق شناخت میزان آگاهی و خلاء دانش‌ها و آگاهیها در زمینه کارآفرینی در بین دانشجویان و نظام آموزش عالی مشکلات فرا روی کارآفرینی جامعه حل شود.

رابرت هیسریچ^۳ (۲۰۰۲) یکی از بهترین تعریف‌ها را در زمینه کارآفرینی ارائه کرده است:

کارآفرینی فرایند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است؛ با فرض همراه بودن ریسکهای مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداشهای مالی و رضایت فردی.

مهارت‌های کارآفرینی شامل متغیرهای گوناگونی است، مهارتهای کارآفرینی، مهارتهایی است که فرد را به سوی کارهای کارآفرینانه سوق می‌دهد و فرد نیاز به موفقیت را احساس می‌کند. برطبق نظر سکستون^۴ و کاساردا^۵ (۱۹۹۲) توانایی خلق چیزی، عملکرد بالاتر در تولید، قبول خطر، شناخت فرصتها را مهارتهای کارآفرینی می‌خوانند. (وارن و نیمان^۶، ۲۰۰۵)

۱- نوآوری :

^۱-Danna

^۲- McClelland

^۳-Hisrich

^۴-Sexton

^۵- Casarda

^۶-Vuuren & Nieman

”بورچ“^۱ (۱۹۸۶) می گوید یک شخص خلاق، کارش صرفاً به رشد اقتصادی منجر نمی شود، نوآوری و خلاقیت عوامل اصلی برای مواجهه با نیازهای در حال تغییر جامعه هستند. (بورچ، ۱۹۸۶) مهارت نوآوری، ابزاری است که حتی از داشتن دانش نیز مهمتر است و مصداقهای زیادی وجود دارد که یک شخص اگر بخواهد کارآفرین باشد، بایستی خلاقیت داشته باشد و نیاز به خلاقیت را درک کرده باشد و خلاقیت را به مرحله نوآوری برساند. (دولان^۲، ۱۹۸۴)

۲- خطرپذیری (ریسک پذیری)

افراد خطر پذیر افرادی هستند که هم ریسک را قبول می کنند و هم ریسک را از خود دور می نمایند. به عبارت دیگر ریسک پذیری، قبول خطر در حد متوسط می باشد، در صورتی که ریسک، توسط فرد کارآفرین بدرستی شناخته شود، این گرایش می تواند باعث توسعه شود (پرداختچی و شفیع زاده، ۱۳۸۵).

۳- خلاقیت

در جهان در حال تغییر امروز، افراد و سازمانها نیاز دارند، به طور مداوم فرصتهای جدیدی، برای خویش مشخص سازند. نوآوری در واقع ارائه کالا و خدمات تازه به بازار است و آفرینندگی نیرویی است که در پس نوآوری نهفته است. استفاده از توفان فکری از مناسبترین روشهای آموزش خلاقیت است.

هیسریچ خصوصیات بارز افراد کارآفرین را چنین می داند:

۱- هدایت و رهبری ۲- خلاقیت ۳- ریسک پذیری ۴- سود جویی فردی و اجتماعی ۵- آینده نگری (هیسریچ و دیگران، ۱۳۸۳).

تاریخچه کارآفرینی در جهان و ایران

به طور کلی و با عنایت به سیر تاریخی، تحقیقات کارآفرینی را می توان به پنج دوره تقسیم نمود:

دوره اول: قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی: در این دوره به صاحبان پروژههای بزرگ که مسئولیت اجرایی این پروژهها همانند ساخت کلیسا، قلعه ها، تأسیسات نظامی و ... از سوی دولتهای محلی به آنها واگذار گردید. کارآفرین اطلاق می شد، در تعاریف این دوره، پذیرش مخاطره لحاظ نشده است.

دوره دوم: قرن ۱۷ میلادی: این دوره همزمان با شروع انقلاب صنعتی در اروپا بوده و بعد مخاطره پذیری به کارآفرینی اضافه شد کارآفرین در این دوره شامل افرادی همانند بازرگانان، صنعتگران و دیگر مالکان خصوصی می باشد.

دوره سوم: قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی: در این دوره کارآفرین فردی است که مخاطره می کند و سرمایه مورد نیاز خود را از طریق وام تأمین می کند، بین کارآفرین و تأمین کننده سرمایه (سرمایه گذار) و مدیر کسب و کار در تعاریف این دوره تمایز وجود دارد.

دوره چهارم: دهه های میانی قرن بیستم میلادی: در این دوره مفهوم نوآوری شامل خلق محصولی جدید، ایجاد نظام توزیع جدید یا ایجاد ساختار سازمانی جدید به عنوان یک جزء اصلی به تعاریف کارآفرینی اضافه شده است. دوره پنجم: دوران معاصر (از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاکنون): در این دوره همزمان با موج ایجاد کسب و کارهای کوچک و رشد اقتصادی و نیز مشخص شدن نقش کارآفرینی به عنوان تسریع کننده این سازوکار، جلب توجه زیادی به این مفهوم شد و رویکرد چند جانبه به این موضوع صورت گرفت. تا قبل از این دوره اغلب توجه اقتصاددانان به کارآفرینی معطوف بود، اما در این دوره به تدریج روانشناسان، جامعه شناسان و دانشمندان و محققین علوم مدیریت نیز به ابعاد مختلف کارآفرینی و کارآفرینان توجه نموده اند.

رشد جمعیت، بهره وری نامطلوب از نیروی کار در کشورهای در حال توسعه و ویژگی های هماهنگ شدن آنها با جامعه موجب مطرح شدن مسأله کارآفرینی شده است. (صدیق، ۱۳۸۰). هر چند دوره های آموزشی کارآفرینی در سطح دانشگاه ها در کشورهای صنعتی به سرعت در حال افزایش است، اما در کشور ما هنوز، در تمامی رشته های دانشگاهی، این آموزش ها جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. شاید بتوان گفت اولین گام در زمینه بحث کارآفرینی در کشور

^۱-Burch

^۲-Dolan

توسط سازمان سنجش آموزش عالی کشور در سال ۱۳۸۰ برداشته شده است که طی آن سازمان مذکور آیین‌نامه پیشنهادی خود را برای طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (طرح کاراد، ۱۳۸۱) ارائه داد. در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به کارآفرینی توجهی نشده است، اما در این برنامه به علت وجود بیکاری گسترده بویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهها و پیش‌بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است

بر اساس آن در برنامه پنج ساله سوم توسعه، کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی تأکید شده است. لذا به منظور توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی، بویژه ابعاد آموزشی و پرورشی دانشجویان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم آوردن مشارکت دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور تهیه و برای اجرا ابلاغ شد.

هم اینک شماری از دانشکده‌های مدیریت و بازرگانی، واحدهای کارآفرینی و برنامه‌های گوناگون سازماندهی شده ارائه می‌دهند و نیز در چند دانشگاه، مراکز کارآفرینی در محیط دانشگاه ایجاد شده است.

"عزیزی" (۱۳۸۲) در تحقیق خود با هدف بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی به این نتیجه رسید که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده از سوی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی و میزان کارآفرینی در دانشجویان از نظر آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

"برومند نسب" (۱۳۸۱) نیز به بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه اهواز پرداخت. پژوهش وی نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

"هزار جریبی" (۱۳۸۲) در مطالعه خود نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

"وسپر"^۱ (۱۹۹۲) در تحقیق خود نشان داد که احتمال شکست کارآفرینانی که تجربه دارند، اما تحصیلات ندارند، زیاد است. برعکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده‌اند، کاملاً موفق‌اند.

"هانلان و کورمان"^۲ (۱۹۹۷) پژوهشی پیرامون تاثیر برنامه‌های آموزشی بر ویژگی‌های کارآفرینانه انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان آگاهی دانشجویان علوم انسانی درباره کارآفرینی در سطح پایینی بوده و برنامه‌های آموزشی موثر، در پرورش کارآفرینان و راه‌اندازی موسسات جدید تاثیر بسزایی دارند (هانلان و کورمان، به نقل از جعفر زاده، ۱۳۸۴).

"اندرسون"^۳ (۱۹۹۸) در تحقیق خود نشان داد که از طریق برگزاری کلاس، کارگاه آموزشی، سخنرانی، برگزاری نمایشگاه، پروژه‌های فردی، روشهای کاربردی و عملی، کارگروهی و مطالعات بومی و موردی به انتقال و آموزش مفاهیم کارآفرینی پرداخت.

امروزه آموزش کارآفرینی آرام آرام جای خود را در درسها و رشته‌های گوناگون دانشگاهی باز کرده است، چرا که در این دوره‌ها ویژگی‌ها و اقدامات لازم برای رشد، بقا و کارآفرین ساختن سازمانها، شرکتها و اداره‌های کوچک و بزرگ در نظر گرفته شده است. فعالیتهای آموزشی در دانشگاهها با برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی آغاز شده است. دانشگاههای مجری این طرح در زمینه‌های پژوهشی نیز مبادرت به تهیه و اجرای طرحهای پژوهشی گوناگون در زمینه کارآفرینی نموده‌اند.

در زمینه خدماتی و مشاوره‌ای نیز می‌توان به مواردی مانند انتشار کتابها، مقاله‌ها، نشریه‌ها، خبرنامه‌ها، برگزاری همایشها و سخنرانیها، کارگاههای آموزشی، نمایشگاههای کتاب و ... اشاره کرد.

^۱-Vesper

^۲-Hanlan & corman

^۳-Anderson

از این رو می‌توان گفت که این امر در چند سال گذشته در دانشگاه‌های ایران نیز آغاز شده ولی برای سازماندهی آن نیاز به برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ است و امید می‌رود که این امر، یعنی آموزش و تربیت کارآفرینان با تلاش بیشتر و برنامه‌های مناسب صورت گیرد. (رحیمی، ۱۳۸۰)

«بارتون کلارک^۱» معتقد است که دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزشهای تخصصی و مدیریتی را تلفیق نمایند. وی همچنین اظهار می‌دارد که هدفمند کردن فعالیت‌ها، ایجاد توازن میان پژوهش‌ها، آموزش و خدمات اجتماعی، و تنوع در تأمین بودجه، از جمله ویژگی‌های بارز دانشگاه‌های پویا در قرن جدید است. (کلارک، ۱۹۹۸)

«پیتر دراگر^۲» معتقد است کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند. کارآفرین ارزش‌ها را تغییر می‌دهد و ماهیت آنها را دچار تحول می‌نماید. همچنین مخاطره‌پذیر است و به درستی تصمیم‌گیری می‌نماید. برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد ولی هیچگاه سرمایه‌گذار نیست، کارآفرین همواره به دنبال تغییر است و به درستی تصمیم‌گیری می‌نماید. برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد ولی هیچگاه سرمایه‌گذار نیست، کارآفرین همواره به دنبال تغییر است و به آن پاسخ می‌دهد و فرصت‌ها را شناسایی می‌کند. از منظر او همانا به کاربردن مفاهیم و فنون مدیریتی، استانداردسازی محصول، به کارگیری ابزارها و فرآیندهای طراحی و بنا نهادن کار بر پایه آموزش و تحلیل کار می‌باشد. او کارآفرینی را یک رفتار می‌انگارد نه یک صنعت خاص در شخصیت افراد. دلایل نیاز به آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها

از اجزای کارآفرینی در همه کشورها می‌توان نوآوری، خطرپذیری معتدل، جستجوی فرصت‌ها و تجهیز منابع برای بهره‌برداری از فرصت‌ها از طریق ایجاد کسب و کارهای جدید یا تغییر در سازمان‌های موجود نام برد. در هرکشوری مباحث رشد اقتصادی و کارآفرینی، موانع و محدودیت‌ها، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات فعلی و آتی آن کشور در زمینه کارآفرینی و آموزش و توسعه این فرایند از زمینه‌های قوی و مورد برنامه‌ریزی و ذی‌علاقه کشورهاست. (احمدپور داریانی، شیخان، رضازاده؛ ۱۳۸۳)

حقیقی (۱۳۸۵) پیامدها و آثار جانبی مثبت کارآفرینی را چنین می‌شمارد:

- ۱- رشد اقتصادی و تحرک اجتماعی: طبق نظر شومپیتر عامل در رونق چرخه اقتصادی، فعالیت کارآفرینان است.
- ۲- اشتغال: اگر کارآفرینی یک فرایند دائمی و بلندمدت باشد می‌توان انتظار داشت که کارآفرینان نقش «شغل آفرینی» را نیز به خوبی ایفا کنند.
- ۳- پیوند علم و بازار: امروزه ثابت شده است که یکی از بهترین روش‌ها استفاده بهینه از علم در بازار، گسترش کارآفرینی فردی و کارآفرینی درون سازمانی است.
- ۴- گسترش اخلاق در اقتصاد: از آنجا که پایه و اصل اولیه فعالیت کارآفرینی اخلاق است، توسعه کارآفرینی باعث گسترش سرمایه‌های اجتماعی، صداقت، از خودگذشتگی و اعتماد خواهد شد. مطالعات در آمریکا نشان داده که بیشتر از ۹۵٪ از ثروت‌ها از سال ۱۹۸۰ به بعد ایجاد شده‌اند و این در نتیجه کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک بوده است.

” رحیمی (۱۳۸۰) نیز پیامدهای کارآفرینی در توسعه جوامع را اینگونه می‌داند:

شکل‌گیری اقتصاد نوین، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، ایجاد صنایع نو، انتقال تکنولوژی، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، افزایش رفاه، ساماندهی و استفاده اثربخش از منابع. به نظر او کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا جلوگیری کرده و بواسطه رفتارهای فرصت‌جویانه خود، اقدام به فرصت‌سازی برای کلیت نظام اقتصادی می‌نمایند.

^۱-Clark

^۲-Dracar

از نظر «گیب» مهم‌ترین عامل رویکرد به مسائل آموزشی در بحث کارآفرینی، عدم کارایی نظام اداری دولتی در روند اشتغال‌زایی است و اینکه شرکت‌های کوچک سهم بیشتری را در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و استخدام افراد دارند. (گیب^۱، ۱۹۸۷)

با روشن شدن مزایای کارآفرینی و اینکه افرادی با ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی خاصی به ایجاد کسب و کارهای موفق اقدام می‌نمایند، تلاش‌های زیادی در جهت شناسایی وجه تمایز کارآفرینان با غیرکارآفرینان و همچنین مدیران با کارآفرینان صورت گرفت تا با شناسایی این اختلافات نسبت به تقویت روحیه کارآفرینی در افراد غیرکارآفرین، فعالیت‌های آموزشی ویژه‌ای انجام پذیرد. به همین دلیل فعالیت‌های آموزشی از ابتدای دهه ۸۰ به سرعت در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها گسترش یافت. گرچه برخی از دانشگاه‌ها فعالیت‌هایی را از اواسط دهه ۷۰ آغاز کرده‌اند (بلوک و استامپ^۲، ۱۹۹۲، به نقل از میر عرب، ۱۳۸۶).

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است دوره‌های آموزشی کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. گرچه امروزه تنوع این داده‌ها، شرکت‌های موجود را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و دوره‌های متعددی جهت رشد، بقا و کارآفرین نمودن سازمانهای بزرگ طراحی شده، اما هدف اولیه از توسعه کارآفرینی همانا تربیت نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳)

مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاست‌گذاری و پشتیبانی اجرائی دولت‌ها به سرانجام رسیده است. از تجربیاتی که کشورهای مختلف در زمینه کارآفرینی داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که بایستی پرورش کارآفرینان در کشور را به عنوان گام اولیه توسعه تلقی کرد که این مهم بدون ایفای نقش فعالانه دولت مخصوصاً دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی محقق نخواهد شد. (احمدی، ۱۳۸۳)

از سال ۱۹۸۱ با کنفرانس‌ها و پژوهش‌های کارآفرینی و سمینارها و برنامه‌هایی بزرگ موسسات علمی دو ساله در دانشگاه‌ها سمینارهایی در این باره تشکیل می‌شود. اکثریت مراکز دانشگاهی کارآفرینی بر سه زمینه اصلی تاکید داشته‌اند. (۱) آموزش کارآفرینی (۲) فعالیت‌های مشاوره‌ای با کارآفرینان (۳) پژوهش درباره کارآفرینی؛ این مراکز رهبران پژوهش در زمینه کارآفرینی بوده‌اند و به احتمال زیاد باز هم خواهند بود. همچنین، بسیاری از دانشگاه‌ها در حال توسعه برنامه‌ها و طراحی میزگردهای کارآفرینی هستند.

آموزش عالی می‌تواند از طریق آموزش بر خصیصه‌ها و توانایی‌های افراد تاثیر مثبت بگذارد، مهارت‌های افراد از خصوصیت‌های اکتسابی هستند که می‌توان از طریق آموزش آنها را توسعه داد. خصوصیات ذاتی نظیر یادگیری، ویژگی‌های شخصی و خلاقیت هم از طریق آموزش قابل توسعه هستند. آموزش عالی می‌تواند با توسعه و پرورش خصیصه‌های کارآفرینانه و نیز افزایش توانایی مدیریتی و کارآفرینانه افراد باعث افزایش عرضه کارآفرینی گردد، در همین راستا آموزش عالی می‌تواند با توجه به نیاز بازار کار به افراد متخصص که دانش مدیریتی و کارآفرینی دارند اقدام به طراحی درسی کارآفرینی برای تمام رشته‌ها نماید. (شاه حسینی، ۱۳۸۱)

”زهو و ازکوویتز“^۳ (۲۰۰۴) چند ویژگی دانشگاه کارآفرین را بر می‌شمارد:

با توجه به مسایل نوین مطرح شده در جامعه، از آموزش عالی انتظار می‌رود تا بر روی موارد زیر توجه کند:
توانایی حل مسأله یا مسأله‌گشایی:

از فارغ التحصیلان انتظار می‌رود که توانایی‌های مسأله‌گشایی و مهارت‌های کلیدی را کسب کرده باشند. این عامل مبتنی بر این نگرش است که دانش عمومی و مهارت‌های عمومی ضرورتاً و فی‌نفسه قابلیت کاربرد در جهان کاری را ندارند، فارغ التحصیلان باید شیوه‌های انتقال این مهارت‌ها را از جهان یادگیری به جهان کار بیابند.
جهت‌گیری به سوی عمل:

^۱-Gibb

^۲-Bluok & Stamp

^۳-Zhou & Etzkowitz

پرورش توانایی انتقال دانش از جهان یادگیری، علم و تحصیل به جهان کار حرفه‌ای به طور گسترده‌ای به عنوان یک تکلیف بسیار مهم آموزش عالی در نظر گرفته شده است که نمی‌تواند صرفاً از طریق پرورش راهبردهای مسأله‌گشایی یا مهارت‌های کلیدی نسبتاً کلی برآورده شود. یادگیری بین رشته‌ای:

از آموزش عالی انتظار می‌رود که فرصت‌های یادگیری بین رشته‌ای را بیشتر از گذشته فراهم آورد که توجیه خوبی است بر فراخوان رویکرد بین رشته‌ای در آموزش عالی و یادگیری، و تاییدی بر این ادعاست که رشته‌ها تمایل دارند دانش را تجربه کنند و مسایل به کمک دانش، درک و حل شود. مواجهه و رویارویی با مباحث مهم نوع بشر:

از آموزش عالی انتظار می‌رود که مسایل مهم نوع بشر را مطرح کند و هم ارزش‌های مدنی و هم مهارت‌های عقلانی لازم را پرورش دهد، به گونه‌ای که عمل موفقیت آمیز به منظور بهبود و ارتقاء رشد و توسعه مطلوب فراهم شود.

مهارت‌های بین المللی:

از آموزش عالی انتظار می‌رود که مهارت‌های بین‌المللی را پرورش دهد. به نظر می‌رسد نیاز فزاینده‌ای به فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی ای وجود دارد که در عمل و شکل بخشی به محیط‌ها و شرایط جهانی مهارت داشته باشند. در سالهای اخیر تحرک و مبادله دانشجوی بین کشورهای توسعه‌یافته و سایر انواع دوره‌های مطالعاتی که هدف آن افزایش ماهیت بین‌المللی آموزش است، عمومیت و شهرت کسب کرده است چه به لحاظ مهارت‌ها و چه در حیطه دانش.

برنامه ریزی آموزشی و بالاصح برنامه ریزی آموزش عالی از حوزه‌های مهمی است که می‌تواند نقش نهادینه کردن کارآفرینی و ارتباط بازار کار و دانش آموختگان را به خوبی ایفا کند. رابطه میان نظام آموزشی و نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به نیروی کار متخصص، همواره از مسایل عمده در برنامه ریزی آموزشی بوده است، در واقع یکی از دلایل اصلی مطرح شدن ضرورت تدوین برنامه‌های آموزشی تطابق هر چه بیشتر میان فارغ‌التحصیلان سطوح مختلف و رشته‌های متفاوت نظام آموزشی با نیازها و قابلیت‌های اقتصادی بوده است. در برنامه‌های آموزشی، مفاهیم تحصیلاتی، محتوای مطالب و... شکل می‌گیرند که تعیین کننده اصلی دوره‌های آموزشی دانشگاهی هستند. لذا اگر برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف در یک نظام آموزشی، هماهنگ با محتوای مورد نیاز بازار کار باشند، برنامه‌های آموزشی و برنامه ریزی آموزشی صورت گرفته روند مطلوبی را طی کرده است. و حتی می‌توان مهمترین کار برنامه ریزی آموزشی را ایجاد توازن و رابطه هماهنگ بین آموزش دانشگاهی و مهارت‌های کاری مورد نیاز جامعه قلمداد کرد. (رضائیان، ۱۳۷۹)

کاکس معتقد بود که تمرکز اصلی دخالت آموزشی در ابتدا بایستی بر این باشد که دانشجویان را تقویت کند تا بتوانند تصمیم بگیرند که یک فرد کارآفرین باشند. و مطابق با این نظر، تاکیدات آموزش بایستی بر روی توسعه یک طرح شغل عملی باشد و از همکاری افراد به لحاظ مالی، شبکه‌ای، یا مشاوره‌ای برخوردار باشد. (هنری^۱ و همکاران، ۲۰۰۵)

عبدالسلام، راهکارهای اساسی تربیت کارآفرین را در غالب دوره‌های آموزش کارآفرینی برای ۴ گروه مطرح می‌کند. گروه اول: برنامه‌هایی برای آگاهی و جهت‌گیری افراد سنین مختلف به سوی کارآفرینی: هدف از این دوره‌ها افزایش آگاهی، آموزش درک و بینش درست از کارآفرینی به عنوان یک آگاهی برای تمامی اقشار اجتماعی است. این گونه برنامه‌ها در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تدریس می‌شود تا انگیزه و تمایل دانش‌آموزان برای کارآفرین شدن افزایش یابد.

گروه دوم: برنامه‌های آموزشی که توسعه و تأسیس شرکت‌ها را پوشش می‌دهد: این برنامه‌ها با توجه به شرایط هر کشور طراحی شده‌اند، کشورهایی همچون هند، فیلیپین، مالزی، فنلاند و هلند مراکز ویژه‌ای جهت حمایت از کارآفرینان بالقوه دارند که ضمن ارائه آموزشهای ویژه برای توسعه توانایی‌ها و انگیزش افراد، توسعه مناطق شهری و روستایی و آموزشهای عملی در نزد کارآفرینان موجود را نیز، در بر می‌گیرد.

^۱-Henry

گروه سوم: دوره‌های خاصی که سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان بین‌المللی کار در نظر می‌گیرد. گاه این دوره‌ها را به صورت حضوری و گاه مکاتبه‌ای (آموزش از راه دور) است.

گروه چهارم: برنامه‌های «توسعه آموزش کارآفرینی: این برنامه‌ها شامل شیوه‌های جدید آموزش و تعیین نقش‌های نوین دانشجویان، استادان در فرایند کارآفرینی است. هدف دیگر این برنامه‌ها آموزش و گسترش کمی استادان جدید از میان صنعتگران و دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی برای آموزش کارآفرینی است. زیرا هدف از آموزش کارآفرینی تربیت افرادی است که بتوانند پس از تکمیل تحصیلات خود به تأسیس مؤسسه‌ای جدید اقدام و کسب و کاری را ایجاد کنند. (بزرگراه، عبدالسلام، ۱۳۸۱)

در یک نگرش کلی، برنامه آموزشی، دانشگاه را یاری می‌دهد تا بتواند بر اساس منطقی صحیح به آموزش بپردازند. در واقع هدف از برنامه آموزش کارآفرینی این است که دانشجویان در طی دوران تحصیل به صورت افرادی خلاق تربیت شوند. این افراد شامل پیشروان در فعالیت‌ها، جسوران، مبتکران، استفاده‌کنندگان از فرصت‌های مناسب و ارتقاءجویان هستند. این قبیل دوره‌ها به دنبال بهبود انگیزش و گرایش‌های افراد، همچون تمایل به استقلال، استفاده از فرصت‌های مطلوب، ابتکار، تمایل به مخاطره‌پذیری، تعهد به کار، تمایل به حل مشکلات و لذت بردن از عدم قطعیت و انجام می‌باشند. (گیب، ۱۹۸۷).

در بررسی طرح در ۲۱ کشور جهان که بیشتر از کشورهای پیشرفته اند، به تاثیر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بر کار آفرینی از چهار جنبه پرداخته شد.

۱- احترام گذاشتن جامعه به کسانی که کاری تازه را آغاز می‌کنند.

۲- حسادت نکردن جامعه به کارآفرینان موفق.

۳- دست نزدن به کار به علت ترس از شکست

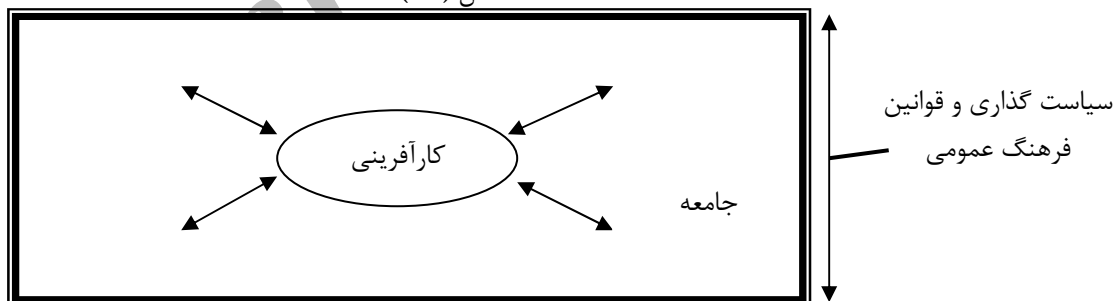
۴- داشتن سطح زندگی مشابه از دید جامعه

موارد ۱ و ۲ موجب تشویق کارآفرینی و موارد ۳ و ۴ موانع کارآفرینی می‌باشند (شیخان و رضازاده ۱۳۸۶).

برای شناخت موانع کارآفرینی و به تبع آن شناخت موانعی که آموزش کارآفرینی و کارآفرین شدن دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهند می‌توان به عناصر مرتبط کلان و خرد کارآفرینی اشاره کرد: آجیل پاسونر علم کارآفرینی را با چهار عامل سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ عمومی در حال تنش و کنش دائم می‌داند. (سعیدی کیا، ۱۳۸۵).

رابطه اقتصاد و کارآفرینی به معنای تعامل بین دو طیف فعالیت‌های علمی و اندیشه‌های علمی در زمینه کارآفرینی از یک طرف و مجموعه‌ای از نهادها، فعالیت‌ها و مقوله بازار، مقوله صنعت، خدمات و تولید و مفاهیم مشابه از طرف دیگر و رابطه سیاست و کارآفرین حاکی از نوع نگرش نظام سیاسی مسلط به مقوله کارآفرین و سیاستگذاری در این عرصه می‌باشد. و همچنین در مورد ارتباط کارآفرینی با جامعه باید دید که آیا ارزشهای اجتماعی مدافع ارزشهای کارآفرینانه است یا اینکه با آنها مغایرت دارد. این ارتباط باید طوری باشد که کارآفرین خود را در جامعه غریبه احساس نکند. و در ارتباط کارآفرین با فرهنگ باید، ارزشها، هنجارها و باورهای موجود در فرهنگ عمومی متناسب با فعالیت خلاق کارآفرین باشد.

شکل (الف)



سعیدی کیا، (۱۳۸۵)

موانع و مشکلات آموزش عالی برای اجرای کارآفرینی در ایران

۱. امروزه بیشتر درسهای دانشگاهی بویژه در رشته‌های علوم انسانی به شیوه نظری ارائه می‌شود و تلاش جدی برای کاربردی کردن آنها نشده است. بیشتر دانشجویان مطالب درسی را حفظ کرده و امتحان می‌دهند. از این رو بیشتر

دانش‌آموختگان دانشگاهها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارند و تخصصها و مهارت‌ها هم جهت و هم سو با نیازهای بازار کار شکل نمی‌گیرد. به علت کاربردی نبودن دروسهای دانشگاهی بویژه در رشته‌های فنی، دانش‌آموختگان آمادگی برای کار ندارند.

۲- از دیگر مشکلات در زمینه اشتغال، نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در سطوح گوناگون جامعه است. متأسفانه به جای ایجاد فرهنگ کارآفرینی، فرهنگ کارمندپروری در جامعه رشد و گسترش یافته است که این امر با توجه به پایین بودن ظرفیت جذب نیرو در اداره‌ها و سازمانها مشکلاتی پدید آورده است.

۳- بازار کار هماهنگ با تحولات علوم و تکنولوژی در حال دگرگونی است. از این رو بازار کار به برخی تخصصهای تازه نیازمند است که لزوماً دانش‌آموختگان دانشگاهها در دوران تحصیل فرا نمی‌گیرند.

۴- محدودیت اختیار مدیران دانشگاهها در زمینه برگزاری دروسهای کارآفرینی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای کارهای اشتغال‌زا، منجر به کاهش ابتکار و نوآوری می‌شود. از این رو، ناگزیر به برنامه‌ریزی در کوتاه مدت می‌شوند، برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت نیز به کاهش ابتکارهای کارآفرینانه با آثار درازمدت می‌انجامد.

۵- نبود ارتباط میان دانشگاهها و مراکز تولیدی و صنعتی است. به گونه‌ای که امروزه به رغم ایجاد و گسترش دانشگاههای صنعتی، حلقه‌های پیوند آنها با صنعت و تولید چندان شکل نگرفته است. در واقع تا زمانی که ارتباط دانشگاه و صنعت به درستی شکل نگیرد، نمی‌توان به توسعه جدی کشور امیدوار بود.

۶- ناآشنایی جوانان با بازار کار، عدم آگاهی آنان از طراحی طرح کسب و کار و مشارکت نداشتن فعال بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهش، توسعه، فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینی از سوی دیگر مشکلات در این زمینه است.

۷- نبود منابع معتبر و مناسب در زمینه کارآفرینی و حتی عدم ترجمه کتابهای مناسب خارجی، هر چند دانشگاهها نمی‌توانند همه نیازهای جامعه را برآورده سازند، اما با توجه به جایگاه پراهمیتشان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌توانند دست به اقدامات سودمندی در این زمینه بزنند.

۸- محققین زیادی در تحقیقات خود خاطرنشان ساخته‌اند که نظام آموزش عالی ایران به جای اینکه کارآفرین باشد، عملاً کارجو پرور است. و از آنجا که نظام آموزشی ایران مبتنی بر یادگیری نیست، افراد کارآفرین در آن کمتر پرورش پیدا می‌کنند.

راهکارهای برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران

۱- نیاز سنجی آموزشی با توجه به نیاز مقاطع تحصیلی و رشته‌های تحصیلی، تدوین اهداف آموزشی، تعیین استاندارد ها و معیارها، انتخاب محتوا و سازماندهی، تعیین روش‌های آموزشی مناسب همچون: پروژه‌های گروهی، و...

۲- تشویق و حمایت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مثبت موجب افزایش کارآفرینی در جامعه می‌شود (شیخان و رضازاده، ۱۳۸۶).

۳- ایجاد روحیه کارآفرینی. اسفاده از کارآفرینی بومی و فرهنگی در نظام آموزش عالی یکی از راهکارها باشد. چنین می‌نماید که آنچه کارآفرینی فرهنگی را موفق می‌سازد، کارآفرینی بومی است (براتلو، ۱۳۸۶).

۴- کارآفرینی تکنولوژیک، فرآیندی است که با ایده‌های تکنولوژیک آغاز می‌شود و به یک کسب و کار تکنولوژیک می‌انجامد. از این رو، سیاستگذاری در آن مستلزم شناخت فرآیند و عوامل مؤثر بر آن است.

۵- همگرایی و رابطه نزدیکتر بین تحقیقات بنیادی و کاربردی. یعنی تاکید بر فرایندی که دانش به سرمایه پول و توسعه صنعتی و عوامل تولید تبدیل شود.

۶- ایجاد تسهیلات بانکی و اقتصادی برای دانشجویان کارآفرین: تخصیص منابع مالی به نظام آموزش عالی بخصوص در زمینه کارآفرینی و انجام پژوهش‌ها.

۷- برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های متنوع در زمینه‌های کارآفرینی در آموزش عالی.

۸- همخوان کردن واحدهای درسی دانشگاهی با نیازهای حرفه‌ای بازار کار: محتوای دروسهای تئوریک و عملی چه در رشته‌های علوم انسانی و فنی باید با نیازهای روز صنعت و بازار مطابقت داشته باشد.

۹- حمایت ویژه از دانشجویان زن کارآفرین. هم‌اکنون زنان کمابیش ۴۰ درصد از کل مشاغل در بخش خصوصی را در جهان به خود اختصاص داده‌اند. ۸۰ درصد از کارگران پرکار از زنان هستند که بیش از ۳/۶ تریلیون دلار درآمد حاصل از فروش ایجاد کرده‌اند (گلرد، ۱۳۸۶). که سهم ما بسیار ناچیز است.

۱۰- گسترش مطالعات بیشتر در زمینه کارآفرینی و یادگیری زبان انگلیسی

۱۱- ایجاد مرکزی در دانشگاه با عنوان «خانه ارتباط با صنعت و بازار» یا تشکیل خانه «ایده» در دانشگاهها؛ برقراری ارتباط بین مراکز کارآفرینی دانشگاهی، پارک های علم و فناوری و موسسات ذیربط. این خانه می تواند با ایجاد ارتباط بین دانشجویان کارآفرین و خلاق و ارائه ایده ها و طرح های آنان به بخش صنعت و بازار و همچنین آگاهی دانشجویان از خواسته های کارفرمایان اقدام کند.

۱۲- شماری از اندیشمندان بر ضرورت ترویج «الگوی کارآفرینی» در دانشگاهها تأکید کرده اند، برای نمونه، بیکاس سانپال یکی از الگوهای تصمیم گیری در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را در «الگوی کارآفرینی» برشمرده است (میرعب، ۱۳۸۶).

۱۳- فرهنگ سازی کارآفرین اسلامی: اسلام دینی است که بر خلاف تصور عمومی نظر مثبتی به پول، ثروت و کار دارد. اسلام پول و ثروت را ابزار رسیدن به اهداف عالی انسانی می داند. برای همین آشنایی دانشجویان با این مبانی آنان را هم از بعد کارآفرینی و اشتغال و هم دینداری تقویت خواهد کرد (سعیدی کیا، ۱۳۸۵).

۱۳- استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه کار آفرینی و ایجاد پایگاه اینترنتی.

۱۴- ارائه خدمات مشاوره ای، گنجاندن دوره های آموزشی و طرح های کسب و کار در زمینه کارآفرینی .

۱۵- گنجاندن دروس اختیاری تحت عنوان: خلاقیت، مدیریت کار آفرین، نوآوری، مشکل گشایی، زیباشناسی، روانشناسی کار، کارآفرینی، کار تیمی (Teamwork).

۱۶- تشویق دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی به اخذ پایان نامه های مرتبط با مفاهیم کارآفرینی.

۱۷- افزایش خودکارآمد پنداری و عزت نفس دانشجویان. حمایت مدیریت، منابع اولیه در دسترس، ساختار سازمانی، تشویق ها و دیگر عوامل محیطی در شکل گیری و بهبود رفتار کارآفرینانه موثر است.

۱۸- ترویج دانشگاه های علمی-کاربردی.

نتیجه گیری :

برنامه های آموزشی را می توان با استفاده از تجارب برنامه های آموزشی که کشور های توسعه یافته و سازمانهای بین المللی داشته اند طراحی کرد. البته برنامه های آموزش کارآفرینی که در غالب یک رشته دانشگاهی می گنجد می تواند به صورت چند واحد درسی و یا بیشتر ارائه شود. بر پایه برخی دیگر از منابع، کارفرمایان کنونی در کشورهای صنعتی پیشرفته به دانش آموختگانی تمایل نشان می دهند که بتوانند با تقاضاهای تازه دنیای کار هماهنگ شوند آنچه می تواند به نهادینه کردن آموزش کارآفرینی و توسعه بازار کار کمک کند انجام برنامه ریزی آموزش عالی است. بدینوسیله هماهنگی هر چه بیشتر نیاز های بازار کار با افرادی که متمایل به داشتن کار می باشند با آموزش و ارائه برنامه آموزشی کارآفرینی در حین تحصیل در رشته های گوناگون میسر می شود.

آنچه که در تدریس دوره های کارآفرینی بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد علاوه بر کارآفرینانه بودن شیوه های تدریس این است که دانشجویان را متوجه کارآفرینی و استفاده از فرصت ها نماید. همچنین دوره های برنامه های آموزش کارآفرینی برای دانشجویان بایستی موجب شود، دانشجویان از اوضاع کاری رشته خویش مطلع شوند و در این بین زمینه سازی مناسب فرهنگ کارآفرینی در دانشگاهها، ارتباط متقابل و نزدیک وزارتخانه های اقتصاد، آموزش عالی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی به تسهیل در اجرای این برنامه کمک شایانی خواهد رساند. همچنین استفاده از تجربیات کشورهایی همچون چین، هند، مالزی، سنگاپور و ... میتواند کمک کننده باشد.

منابع فارسی :

۱- احمدپور داریانی محمود، شیخان ناهید، رضازاده حجت الله (۱۳۸۳). تجارب کارآفرینی در کشورها؛ منتخب؛ تهران. امیر کبیر.

۲- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۹). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها). تهران. پردیس.

- ۳- احمدی، علی (۱۳۸۳). نیاز سنجی آموزشی کارآفرینی رشته برق مقطع کارشناسی پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- ۴- براتلو، فاطمه (۱۳۸۶). کار آفرینی فرهنگی: پیام هایی برای بومی سازی. ماهنامه اطلاعات، سال بیست و یکم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر.
- ۵- برومند نسب، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی.
- ۶- بزرگراه، عبدالسلام (۱۳۸۱). راهکارهای تربیت کارآفرین. ماهنامه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تعاون، شماره ۱۳۵، پیاپی ۲۴۴، آذر.
- ۷- پرداختچی، محمدحسن و حمید شفیع زاده (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی. تهران. ارسباران.
- ۸- پیک سنجش، ویژه نامه کاراد، ۱۳۸۳.
- ۹- جعفرزاده، مرتضی (۱۳۸۴). طراحی و تبیین الگویی برای پیش بینی کارآفرینی دانش آموختگان. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده مدیریت.
- ۱۰- حقیقی، ایمان (۱۳۸۵). کارآفرینی و توسعه اقتصادی بخش خصوصی در ایران. فصلنامه راهبرد یاس. شماره ۸، زمستان.
- ۱۱- ذبیحی، محمد رضا و علیرضا مقدسی (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل. مشهد. جهان فردا، نما.
- ۱۲- رحیمی، حسن (۱۳۸۰). ضرورت آموزش کارآفرینی در دانشگاهها. چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست روسای دانشگاهها و مراکز علمی-تحقیقاتی کشور. تهران. موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۱۳- رضائیان، علی (۱۳۸۰). مبانی سازمان و مدیریت. تهران. سمت.
- ۱۴- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۵). اصول و مبانی کارآفرینی. تهران. کیا.
- ۱۵- شاه حسینی، عبدالله (۱۳۸۱). کتاب کاری روش نوشتن طرح کسب و کار. تهران. آگاه.
- ۱۶- شریف زاده، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۶). نهادینه سازی سیستمی کارکرد دانشگاهها در فرایند کارآفرینی در سطح جامعه. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
- ۱۷- شیخان، ناهید، رضازاده، حجت اله (۱۳۸۶). هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در توسعه کارآفرینی. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره یازده و دوازده، مرداد و شهریور.
- ۱۸- صدیق، محمد جعفر (۱۳۸۱). نقش انکوباتورها در بستر سازی کارآفرینی برای دانش آموختگان دانشگاهها. چکیده مقالات همایش کارآفرینی، دانشگاه تهران.
- ۱۹- عزیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۰- کارنوی، مارتین (۱۳۸۴). جهانی شدن و اصلاحات آموزشی. ترجمه، محمد حسن میرزا محمدی و محمد رضا فریدی. تهران. بسطرون.
- ۲۱- کوراتکو، داند اف.، هاجتس، ریچارد دام؛ نگرشی معاصر بر کارآفرینی، جلد اول، ویرایش پنجم، ترجمه ابراهیم عامل محرابی، محسن تبرائی؛ انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.
- ۲۲- گلر، پروانه (۱۳۸۶). عوامل موثر بر کارآفرینی زنان ایرانی. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
- ۲۳- مقیمی، محمد (۱۳۸۳). کارآفرینی در نهادهای مدنی. تهران. دانشگاه تهران.
- ۲۴- میر عرب، رضا (۱۳۸۶). میزان آگاهی دانشجویان کارشناسی رشته های روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از کارآفرینی در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ و طراحی آموزشی جهت دانش افزایی آنها در زمینه کارآفرینی. دانشگاه تهران. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. کارشناس ارشد. برنامه ریزی آموزشی.

۲۵- هزار جریبی، ج. (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران. رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

۲۶- هیسریچ، رابرت دی، پیترز، مایکل پی (۱۳۸۳). جلد اول، ترجمه: علیرضا فیض بخش، حمید رضا، تقی یاری. تهران. دانشگاه صنعتی شریف.

منابع انگلیسی :

- 1-Anderson ,A.R.Kirkwood ,Jack,S.L(1998).Teaching Enterepreneurship ;A Mentoring Experience ,Belgium,Paper Presonted at the 18 Banson Enterepreneurship Research Conference .
- 2-Block ,Z.Stump,F,S.A(1992). Entrepreneurship.Educational Reaserch : Exporiece and Challenge ,Kent Publishing Company ,Boston,MA.
- 3-Burch,J.G(1998). Entrepreneurship.New York, John Wily and Sons.
- 4-Clark,B.R.(1998).The Entrepreneurship University Demand and Response ,Tertiary Education Managment,Vol.Humberz.
- 5-Colett,Henry,Hill Frances, Leitch Claire(2005).Enterepreneurship Education and Training ; Can Entrepreneurship be Taught?Part 1.pp 98.
- 6-Dolan,C, (1994),Bushnell Resigns Pizzatimepost,Kennan is Named The Well Street Journal,February.
- 7-Gibb,A.A.(1987).Enterprise Culture-Its Meaning and Implications for Education and Training,Journal of Euopan Industrial Training,Vol.11.No2.
- 8-Hisrich,Robert B. Michael p. peters(2002). Entrepreneurship Tata Mc raw Graw Hill publishing company limited.
- 9-Vesper,K.H .(1992).Reseach on Education Entrepreneurship,in ent ,C.A. (EDS),Encyclopedia of Entrepreneurship,Prentice Hall, Englewood Cliffs.
- 10-Vuuren,Jurie.Nieman,Gideon(2005).Entrepreneurship Education and Tranning :A Model for Syllabi /Curriculum Development ,Cambrige University Press.
- 11-Zhou,Chunyan and Henry Etzkowitz(2004).The Enterpreneurial university and the Future of Higher Education in China .Ethiopia Triple Helix Conference.Prepared draft.

Archive of SID